

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش شایستگی‌های فراگیران دوره ابتدایی

The State of Education for Developing the Competencies of Primary School Students

تاریخ دریافت مقاله: ۲۰/۱۲/۱۴۰۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۵/۰۴/۱۴۰۳

A. Dehbashei
H. Pourshafei (Ph.D)
M. Ayati (Ph.D)هادی پورشافی^۲اکرم دهباشی^۱محسن آیتی^۳

Abstract: The purpose of the current research was to investigate the current state of education in order to institutionalize the competencies of primary school students. For this purpose, the foundation data method and the Strauss and Corbin (2006) approach were used. The statistical population of the research included managers, teachers and other key informants related to the subject area. The research data was collected using semi-structured individual interviews, the statistical sample included 27 managers and teachers who were selected in a targeted theoretical manner. The data were analyzed using a three-step coding method. The findings of the research show that the caricaturization of the competence of the learners of the educational system acts as a central phenomenon and that individual, educational and social contexts have an effect in this sector. Also, the factors affecting the current situation, the centralization of the educational system, the weakness in the implementation of qualitative evaluation, and the self-awareness of the learners were mentioned. The strategies considered by the participants in the research were also mentioned in the three axes of networking in the field of developing competencies, improving the skills and competencies of the factors involved in the institutionalization of competence, paying attention to individual.

Key words: Competencies of learners, education, curriculum

چکیده: هدف از مقاله حاضر، بررسی وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش شایستگی‌های فراگیران دوره ابتدایی بود. به این منظور از روش داده‌بنیاد و رویکرد اشتراوس و کوربین (۲۰۰۶) استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران، معلمان و سایر اطلاع‌رسان‌های کلیدی مرتبط با حیطه موضوعی بودند. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های فردی نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد، نمونه آماری شامل ۲۷ نفر از مدیران و معلمان بودند که به شیوه نظری هدفمند انتخاب شدند. حجم نمونه با توجه به اشباع نظری داده‌ها و تکرار آن‌ها در مصاحبه‌های بعدی انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه مرحله‌ای تحلیل شده‌اند. برای تأمین روایی و پایایی از روش گویا و لینکلن ۱۹۸۰ استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که کاریکاتور شدن شایستگی فراگیران نظام آموزشی، به‌مثابه پدیده محوری عمل می‌کند و طراحی نامتوازن شایستگی فراگیران، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و کسب ناقص شایستگی‌ها در آن نقش آفرینی می‌کند. همچنین عوامل مؤثر بر وضعیت جاری، تمرکزگرایی نظام آموزشی، ضعف در اجرای ارزشیابی کیفی-توصیفی، ضعف خودشناسی و خودآگاهی فراگیران عنوان شد. راهبردهای مدنظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز در سه محور شبکه‌سازی در زمینه پرورش شایستگی‌ها، ارتقا مهارت‌ها و شایستگی‌های عوامل دخیل در پرورش شایستگی، توجه به تفاوت‌های فردی و بومی در زمینه شایستگی عنوان گردید. زمینه‌های فردی، آموزشی و اجتماعی به عنوان عوامل زمینه‌ساز پرورش شناسایی شد. عوامل مداخله‌گر نیز، میزان توجه به برنامه درسی تمام ساحتی، میزان توجه به رویکردهای خلاق و انتقادی، میزان توجه به تنوع در روش‌های ارزشیابی و معیارهای آن احصا گردید. دزنه‌ایتم پیامد وضعیت جاری پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران، ضعف در شکوفایی استعدادها، فراگیران و پرورش نامتوازن شایستگی‌ها عنوان گردید. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در برنامه‌های درسی فراگیران از رویکردهای تلفیقی و ترکیبی در ادغام شایستگی‌ها استفاده گردد.

کلیدواژه‌ها: شایستگی‌های فراگیران، آموزش و پرورش، برنامه درسی، دوره ابتدایی

dehbashi_a2002@yahoo.de

۱. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

h.pourshafei@birjand.ac.ir

۲. دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول).

m-ayati@birjand.ac.ir

۳. دانشیار مطالعات برنامه درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

آموزش و پرورش به عنوان نهادی که بر ابعاد مختلف جامعه تأثیرگذار است همواره به دنبال شکل‌گیری شخصیت سالم و نهادینه شدن آموزه‌های ارزشمند در کودکان و نوجوانان است تا از این طریق تربیت صحیح را محقق سازد (Nadarijoo & Ghazizadeh Hashemi, 2020). آموزش و پرورش، عامل توسعه در هر کشوری است و در واقع، تفاوت بین کشورهای کمتر و بیشتر توسعه‌یافته، در آموزش است (Omar, 2020)؛ بنابراین، کشورها آن را به عنوان اولویت تعیین می‌کنند و بخش قابل توجهی از بودجه خود را به آن اختصاص می‌دهند (Munadi, 2020). بخش زیادی از آموزش و پرورش در جوامع مختلف از طریق نظام‌های آموزشی محقق می‌شود. به عبارتی فرایند آموزشی در مدرسه و محیط آموزشی، شکل مدون و اصولی به خود گرفته و محیط‌های آموزشی با آن برخورد حرفه‌ای دارند. فرایند تعلیم و تربیت به واسطه، فراهم نمودن اسباب و موجبات رشد و تعالی فردی و رفاه اجتماعی در زندگی انسان، از نقش و اهمیت بالایی برخوردار است و ارزش‌های انسانی همچون، پرورش استعدادها، فردی، تحکیم پایه‌های زندگی اجتماعی، گسترش آرمان‌های دموکراتیک و ایجاد تفاهم و رواداری میان انسان‌ها از مسیر تعلیم و تربیت می‌گذرد؛ لذا نظام آموزشی و کانون اجرایی آن یعنی مدرسه، به مرکز توجه اکثر جوامع، به خصوص جوامع پیشرفته تبدیل شده است (Salavati et Al, 2020)؛ لذا با توجه به اینکه امر آموزش و پرورش از اهداف کلیدی و مهم دولت‌ها محسوب می‌شود، نظام آموزشی اثربخش و کارا، نظامی است که با اهداف و نیازهای واقعی جامعه تناسب داشته باشد و توانایی آماده‌سازی نسل جوان و پرورش مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز برای نیل به اهداف را دارا باشد (Razzaghi et Al, 2018).

شایستگی‌ها، بسان روشی برای توصیف دستاوردهای (نتایج) دلخواه (مطلوب) آموزشی، دربرگیرنده ابعاد شناختی، کارکردی، اخلاقی و فردی است که دانش، نگرش و مهارت‌های پیچیده را درهم می‌آمیزد (Lozano et Al, 2017). پرورش شایستگی‌ها، به مثابه هدف اصلی یادگیری پایدار دربرگیرنده مجموعه‌ای از شایستگی‌های کلیدی است که مشارکت پویا، بازندیشانه، همکارانه و همیارانه را برای گام‌نهادن به سوی پایداری فراهم می‌آورد؛ بنابراین، پرورش شایستگی‌های کلیدی برای آینده‌نگری و مشارکت درکنش‌های پایداری، امری بایسته به نظر می‌رسد. در دهه گذشته، بر کاربست مفاهیم و شایستگی‌های کلیدی و بنیادین برای توسعه

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

برنامه درسی (هدف‌های یادگیری برنامه‌محور) و توسعه دوره‌ها و رشته‌ها (نتایج یادگیری) در آموزش و یادگیری پایدار پافشاری شده است (Robati & Javedani, 2023). شایستگی‌های مدنظر برای هر جامعه‌ای به تناسب اهداف و آرمان‌های ترسیم‌شده برای آن متفاوت است (Nouri et Al, 2020).

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، باتوجه‌به اینکه فرهنگ و نظام آموزشی از درجه اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین (Fundamental Transformation Document, 2011)، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سند برنامه درسی ملی (National Curriculum Document, 2011)، نقشه مهندسی فرهنگی کشور (Cultural engineering map of the country, 2013)، نقشه جامع علمی کشور (Comprehensive scientific map of the country, 2009) وجود دارد که در آن‌ها به آمال و آرزوهای تربیتی در سطح ملی توجه شده است و می‌تواند معیار برای شایستگی‌های فراگیران در برنامه درسی نظام آموزشی واقع گردد. در این میان، سند تحول بنیادین با توجه به تدوین تخصصی آن برای آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی با توجه به اشاره آن به برنامه درسی و پرداختن به آن بیشتر مبنا و مرجع پژوهشگران در این زمینه خواهد بود لذا در ادامه به اختصار به ماهیت آن پرداخته می‌شود (Jafari Kamangar & Zarei, 2021).

در سند تحول بنیادین به ابعاد شایستگی‌ها و جزئیات مرتبط با تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی و تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی توجه شده است. چراکه، فراگیر به‌عنوان موجودی چندبعدی دارای نیازها، گرایش‌ها و علائق مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فردی است و انتظار از نظام آموزشی توجه هم‌سنگ و متوازن به همه این ابعاد است. تربیت دینی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و جسمانی، هنری و زیبانشناختی، اقتصادی و درنهایت علمی و فناوری، ساحت‌های مختلف تربیتی هستند که ضرورت دارد در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به آن‌ها توجه شود و تحت عنوان "ساحت‌های تربیتی" در سند تحول بنیادین نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند (Yousefzadeh & Shah Moradi, 2020).

همچنین در سند برنامه درسی ملی (National Curriculum Document, 2011) نیز جزئیات مرتبط با فراگیران طراز جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره و توجه قرار گرفته است.

تدوین چارچوب برنامه درسی ملی، به منزله سندی اساسی و بابهت برای نظام آموزشی در مورد آنچه آموخته می‌شود و چگونگی آموختن آن، روش‌های ارزشیابی و پیامدهای مورد انتظار، نوعی هدایت ملی فراگیران برای دستیابی به شایستگی‌های مدنظر است. مفهوم برنامه درسی ملی را تا حدود زیادی در استاندارد کردن و استانداردسازی برنامه درسی و آموزش‌ها می‌توان درک کرد. در این برداشت از برنامه درسی ملی، ایجاد هماهنگی و عدالت آموزشی در کشور مطرح می‌شود و برنامه درسی ملی به سمت یکنواخت و یکدست شدن استانداردها در سراسر کشور و کل نظام آموزشی گام برمی‌دارد. اصولاً برنامه درسی ملی باهدف و جایگاهی خاص تنظیم می‌شود و دارای ماهیتی سیاسی است و طیفی از برداشت‌ها از برنامه درسی ملی وجود دارد که بر اساس ملاک تجویزی و تحمیلی بودن برنامه، محدود شدن قدرت انتخاب، آزادی و آگاهی عناصر اصلی فرایند آموزش، قابل تفکیک است (Salsabili, 2017).

بررسی پیشینه پژوهشی در این زمینه بیانگر آن است که پژوهش‌های انجام پذیرفته در زمینه پرورش شایستگی‌های فراگیران دوره ابتدایی به سه دسته قابل تفکیک است:

در دسته اول پژوهش‌هایی قرار دارند که به شناسایی شایستگی‌های موردنیاز فراگیران دوره ابتدایی پرداخته‌اند در این زمینه شایستگی‌هایی همچون دارای شناخت کافی از تهدید نرم و ابزار و شیوه‌های آن، توانمند در مدیریت صحنه فرهنگی، بهره‌مند از بصیرتی عمار گونه، داشتن صبر و امیدوار به آینده‌ای پیروزمند (Ebrahimi, 2021)، حل مسئله، اندیشه‌ورزی نقادانه، آفرینش‌گری، خودشناسی، بازاندیشی انتقادی، خود اصلاحی - بسان شایستگی‌های شناختی و فراشناختی و ده زیرمقوله کارگروهی، همدلی، کنجکاوی، مهارت‌های ارتباطی و بین فرهنگی، خودباوری، نرمش‌پذیری، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، تصمیم‌گیری مشارکتی، انتقادپذیری، اخلاق‌مداری (Robati & Javedani, 2023) به‌عنوان شایستگی‌های موردنیاز فراگیران شناسایی شدند. احمدی (Ahmadi, 2023) در پژوهش خود پنج شایستگی تفکر، برقراری ارتباط با دیگران، خودمدیریتی، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات و همکاری به‌عنوان شایستگی مشترک در برنامه درسی دانش‌آموزان در کشورهای نیوزلند، هنگ‌کنگ، ایرلند شمالی و فنلاند مورد شناسایی قرارداد.

در دسته دوم پژوهش‌هایی که به بررسی عوامل مؤثر بر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی پرداخته‌اند در این زمینه به‌عنوان نمونه مظاهری و همکاران (Mazaheri et Al, 2017) به بررسی

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی محور دوره ابتدایی از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداختند که نتایج نشان‌دهنده نقش محوری خانواده در پرورش شایستگی‌ها بود و در دسته سوم به طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر یکی از شایستگی‌های پایه برای فراگیران دوره آموزش ابتدایی پرداخته‌اند به‌عنوان نمونه تقی‌پور حویزی و همکاران (Taghipour Hawizi et Al, 2023) در پژوهش خود به شناسایی انواع شایستگی‌ها برای تحقق تربیت اجتماعی دموکراتیک در نظام آموزش و پرورش ایران پرداختند.

باتوجه به اینکه، عرصه تعلیم و تربیت ابزار جدی برای ارتقای شایستگی‌ها فراگیران در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی جامعه ایرانی - اسلامی، مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی - ایرانی باشد، در پرتو چنین فراگیران متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد‌های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید (Alipour et Al, 2018)؛ بنابراین باید نظام آموزشی و به طور خاص فراگیران آن در راستای اهداف متعالی اسناد بالادستی و نیازهای جامعه حرکت نمایند. برای دستیابی به این مهم وضعیت جاری آموزش و پرورش و ابعاد آن از حیث پرورش شایستگی‌ها برای فراگیران دوره ابتدایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باتوجه به بررسی پیشینه پژوهشی موجود در داخل کشور پژوهشی به بررسی وضعیت فعالیت‌های آموزش و پرورش در جهت پرورش شایستگی‌های فراگیران نپرداخته است. بررسی وضعیت موجود آموزش و پرورش در زمینه پرورش شایستگی‌های فراگیران این امکان را به طراحان و مجریان برنامه‌های درسی می‌دهد تا زمینه بازنگری در رویکردهای طراحی و اجرای برنامه‌های درسی را فراهم آورند؛ لذا در پژوهش حاضر به دنبال بررسی وضعیت جاری آموزش و پرورش در زمینه پرورش شایستگی‌ها و توجه به این خلأ پژوهشی بودیم تا بدین وسیله وضعیت جاری توجه به پرورش شایستگی‌های فراگیران در نظام آموزشی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. از این رو سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت جاری برنامه‌های درسی آموزش و پرورش در زمینه پرورش شایستگی فراگیران دوره آموزش ابتدایی چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف پژوهش بررسی وضعیت جاری آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی دوره ابتدایی برای پرورش دادن شایستگی‌ها در فراگیران بود، از این رو پژوهش حاضر از نظر رویکرد جزو تحقیقات کیفی و ازلحاظ روش، مبتنی بر مطالعات داده‌بنیاد است. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. در رویکرد سیستماتیک محقق باید روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری مرحله-مندی (باز، محوری و انتخابی) را به اجرا درآورد و کار نهایی خود را در الگوی پارادایمی یکسانی ارائه کند (Farastkhah, 2019). حوزه پژوهش مورد مطالعه کلیه کارگزاران اصلی دخیل در آموزش فراگیران شامل؛ معلمان و مدیران مدارس ابتدایی بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، از نوع ملاک‌محور، نمونه‌ی مورد نظر انتخاب و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. از این رو مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۱۵ نفر از معلمان (ملاک ورود داشتن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۵ سال سابقه خدمت تجربی در دوره آموزش ابتدایی و آشنایی با مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)، ۵ نفر از سرگروه‌های آموزشی دوره ابتدایی (ملاک ورود حداقل مدرک کارشناسی ارشد و آشنایی با مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)، ۷ نفر از مدیران مدارس ابتدایی (ملاک ورود داشتن حداقل سه سال سابقه مدیریت) بودند. جهت محرمانه ماندن هر کدام از شرکت‌کنندگان در مراحل پژوهش و رعایت اخلاق پژوهشی به هر کدام از آنها یک کد اختصاص داده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده‌بنیاد، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله: الف) کدگذاری باز؛ ب) کدگذاری محوری و ج) کدگذاری انتخابی انجام شد. برای تأمین روایی و پایایی از روش گوبا و لینکلن (Guba & Lincoln, 198) استفاده شد. آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار (Credibility)، قابلیت انتقال (Transferability)، قابلیت اتکا (Dependability) و قابلیت تأیید (Conformability)» را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش بر شمرند (Danaei Fard, 2017). در زمینه‌ی قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضاء شرکت‌کننده (مشارکت‌کنندگان در مصاحبه در مصاحبه) استفاده شد. در زمینه‌ی قابلیت انتقال، یافته‌ها در اختیار متخصصین (هشت نفر از متخصصان حوزه برنامه‌درسی دارای حداقل مرتبه علمی

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

دانشیار و دارای اثر پژوهشی در زمینه پرورش شایستگی‌های فراگیران) قرار داده شد. در زمینه قابلیت تأیید مرور و بازخورد همتایان (سرگروه‌های آموزشی و معلمان دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد) بکار برده شد و در زمینه قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان)، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد میزان توافق کدگذاری براساس کدگذاری مجدد توسط ۴ نفر به روش اسکات (Scott, 2012) استفاده شد که در این پژوهش میزان توافق بین ارزشیابان عدد ۷۹ بدست آمد که نشان دهنده ۷۹ درصد توافق بین ارزشیابان در کدگذاری‌ها بود.

$$C.R = \frac{55+59+40+62}{4 \times 68} \times 100 = 79/79$$

$$C.R = \frac{\text{تعداد مقوله موردهای توافق}}{\text{تعداد کل مقوله‌ها}} \times 100$$

یافته‌های پژوهش

محققان برای دستیابی به نظریه برآمده از خصوصیات واقعی نظام آموزشی در راستای پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران با اطلاع‌رسان‌های کلیدی که تماس نظری و عملی ممتدی با موضوع پژوهش (پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران) داشتند، گفتگو کردند و کوشیدند تا در ساختار درونی ارزش‌ها، نگرش‌ها و تجارب آن‌ها تعمق کنند. دراثناى مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور می‌یافتند و از مقایسه مفاهیم مقوله‌ها عیان می‌شدند و ذهن پژوهشگران را به قضایا و گزاره‌های مختلفی درباره وضعیت جاری پرورش شایستگی‌های فراگیران سوق می‌دادند. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی، به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس، بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و ویژگی‌های مشترک کدهای باز، محوری و منتخب (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند. برای این کار روش‌های تحلیل اشراس و کوربین مورد استفاده قرار گرفت (Strauss & Corbin, 2008). این الگو شامل ۶ محور اصلی است که در ادامه گزارش شده است.

۱- شرایط محوری

مقوله محوری مضمون اصلی پژوهش است که اگرچه از درون پژوهش بیرون می‌آید؛ اما یک مفهوم انتزاعی است (Strauss & Corbin, 2008). جهت یافتن پدیده محوری محقق با مقایسه و طبقه‌بندی مجدد به تغییر، تکمیل، ترکیب و توسعه مقوله‌ها به صورت مستمر پرداخت (Strauss & Corbin, 2008). در پژوهش حاضر مرکز ثقل الگوی جاری نظام آموزشی در راستای

پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران " کاریکاتوری شدن شایستگی فراگیران نظام آموزشی " احصا گردید. در این زمینه تحلیل مصاحبه‌ها به سه مقوله محوری، طراحی نامتوازن شایستگی‌های فراگیران، عدم توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش، کسب ناقص شایستگی‌های مدنظر منجر شد. نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: شرایط محوری الگوی جاری آموزشی در راستای پرورش شایستگی‌های فراگیران

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
کاریکاتوری شدن شایستگی فراگیران نظام آموزشی (عدم تناسب و توزیع توجه در پرورش شایستگی)	طراحی نامتوازن شایستگی‌های فراگیران	عدم توجه به نیازهای روز جامعه در تدوین شایستگی‌های فراگیران
		عدم توجه به پژوهش‌های جامعه‌محور و تدوین پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی در راستای توجه به شایستگی‌های فراگیران
		توجه بیش از حد به بعد شناختی برنامه درسی و غفلت از ابعاد بینشی و مهارتی در تدوین شایستگی‌ها
		عدم توجه به وحدت محتوا و تجارب یادگیری فراگیران در برنامه‌های مدنظر
	تفاوت‌های فردی در آموزش	عدم توجه به استعدادها و علائق دانش‌آموزان در حوزه شایستگی‌های پایه
		بی‌توجهی به نقش فراگیر و ابعاد سازنده گرا در پرورش شایستگی‌های حوزه فردی
		استفاده از رویکردها و روش‌های مستقیم و یک‌طرفه در پرورش شایستگی‌های فراگیران
	کسب ناقص شایستگی‌های مدنظر	بی‌توجهی به وضعیت و شرایط اختصاصی دانش‌آموزان در زمان آموزش (آموزش برای همه و در هر شرایط)
		پرداختن به یک جنبه از شایستگی‌های مدنظر و عدم توجه به توزیع توجه
		گرایش به یادگیری شناختی و ابعاد دانشی در بین فراگیران
		کم‌توجهی به ظرفیت‌های پنهان و نهفته از سوی والدین و مغفول ماندن آن
		نگاه تک‌بعدی به مهارت‌ها و شایستگی‌ها و بی‌توجهی به چندبعدی‌سازی آن در ارتقا فردی

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

باتوجه به مصاحبه‌ها برنامه‌های درسی ابلاغی طراحی نامتوازن در زمینه شایستگی‌ها برخوردار بوده و در میدان عمل نیز مجریان به صورت معیوب آن را اجرا می‌کنند و زمینه اصلی پرورش شایستگی‌ها که توجه به تفاوت فردی و فردی‌سازی آموزش است مغفول قرار می‌گیرد برآیند آن نیز پرورش ناقص شایستگی‌ها در فراگیران مقطع ابتدایی است. باتوجه به محورهای اشاره شده به صورت کلی استعاره کاریکاتوری شدن شایستگی‌ها فراگیران در نظام آموزشی باتوجه به عدم توجه به تناسب و توزیع در پرورش شایستگی باید مورد توجه قرار گیرد.

۱-۱ طراحی نامتوازن شایستگی‌های فراگیران

بررسی‌های صورت گرفته در حوزه میدانی بیانگر آن بود که بخش عمده‌ای از نامتوازن بودن حوزه شایستگی‌ها در فراگیران به عدم توجه به توازن در طراحی شایستگی‌ها و مهارت‌های مدنظر است. طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش عدم توجه به نیازهای روز جامعه در تدوین شایستگی‌های فراگیران، عدم توجه به پژوهش‌های جامعه‌محور و تدوین پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی در راستای توجه به شایستگی‌های فراگیران، توجه بیش از حد به بعد شناختی برنامه درسی و غفلت از ابعاد بینشی و مهارتی در تدوین شایستگی‌ها، عدم توجه به وحدت محتوا و تجارب یادگیری فراگیران در برنامه‌های مدنظر از جمله کدهای باز این مقوله محوری است. در ادامه به برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود:

"در حوزه آموزش و پرورش دو جنبه عمده مدنظر سیاست‌گذاران، آموزش و پرورش است، حالا در برخی برهه‌های زمانی جنبه آموزش بیشتر غلبه پیدا میکند و گاهی اوقات جنبه پرورشی ولی بیشتر از همه در آموزش جنبه حفظ مطالب و دروس و در پرورشی، اصول ارزشی برجسته هست و از سایر اصول در حوزه طراحی هم غفلت شده."

۱-۲ عدم توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش

طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان، کارکردهای مدرسه و مشارکت‌پذیری تنها در به وجود آوردن فضای تحصیلی و بسترساز آن خلاصه نمی‌شود و باید به ساخت فضای کلاسی مبتنی بر تفاوت‌های افراد و شایستگی‌های آن‌ها هم توجه کرد و به کارگیری تنوع نظریات تکیه کرد. طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش عدم توجه به استعدادها و علائق دانش‌آموزان در حوزه شایستگی‌های پایه، بی‌توجهی به نقش فراگیر و ابعاد سازنده گرا در پرورش شایستگی‌های حوزه فردی، استفاده از رویکردها و روش‌های مستقیم و یک‌طرفه در پرورش شایستگی‌های

فراگیران، بی‌توجهی به وضعیت و شرایط اختصاصی دانش‌آموزان در زمان آموزش (آموزش برای همه و در هر شرایط) از جمله کدهای باز محور مذکور هستند. در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود.

" من به‌عنوان یک مدیر از مدرسه دیدگاه متفاوتی رادارم به نسبت دیدگاهی که اداره و سیاست‌گذاران از مدارس دارند در نگاه کارشناسان و معاونین ادارات مناطق و استان مدرسه مکان اجرای برنامه درسی درحالی‌که به نظر من هر مدرسه خودش یک مکان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تدوین و سپس اجرای برنامه درسی مبتنی بر شایستگی‌های دانش‌آموزانه و به‌کارگیری نظر مشارکت‌کنندگان در تقویت و ارتقا شایستگی دانش‌آموزان مدرسه باشد."

۳-۱ کسب ناقص شایستگی‌های مدنظر

طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش و مشاهدات و استنباط‌های میدانی پژوهشگران یکی دیگر از عوامل محوری ضعف در کسب شایستگی‌ها و توجه بیش از حد به جنبه‌های شناختی در کسب شایستگی بوده است. در این زمینه شاخص‌هایی چون پرداختن به یک جنبه از شایستگی‌های مدنظر و عدم توجه به توزیع توجه، گرایش به یادگیری شناختی و ابعاد دانشی در بین فراگیران، کم‌توجهی به ظرفیت‌های پنهان و نهفته از سوی والدین و مغفول ماندن آن، نگاه تک‌بعدی به مهارت‌ها و شایستگی‌ها و بی‌توجهی به چندبعدی‌سازی آن در ارتقا فردی احصا گردید. در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود.

" من نیم‌دویم چه اجباریه که روی دانش‌آموزان بیچاره هست که باید مطالب کتاب را در دوره‌های مختلف موبه‌مو جلو ببرن. نمیگم این بده ولی آیا مدرسه و نظام آموزشی فقط برای اینه؟ اون والدینی که به کسب این شایستگی‌ها بچه رو مجبور می‌کنن دارن کمترین بهره را از مدرسه میبرن. " (معلم، ۱۱).

۲- شرایط علی

شرایط علی آن دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثرگذارند (Strauss & Corbin, 2008). به عبارتی می‌توان گفت شرایط علی، حوادث و اتفاقاتی است که به وقوع یا رشد و توسعه پدیده محوری می‌انجامند. شرایط علی در هر پژوهشی نشان‌دهنده شرایط و مفاهیمی است که پدیده اصلی متأثر از آن است در این پژوهش شرایطی و عوامل پرورش‌دادن

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

شایستگی‌های فراگیران است را در این گزاره سازمان دادیم. نتایج در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول ۲: عوامل و شرایط علی‌الگویی جاری نظام آموزشی در راستای پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
		ارائه خط و مشی‌های آموزشی - تربیتی از سوی واحدهای سیاست‌گذاری به شکل متمرکز
		نگاه به مدارس و معلمان به‌عنوان مجریان وفادار برنامه درسی
	تمرکزگرایی نظام آموزشی	عدم توجه به تفاوت‌های بومی - محلی در برنامه‌های درسی شایستگی محور
		عدم توجه به کارکردهای متفاوت مدارس و دانش‌آموزان از سوی
		ضعف اختیار دهی به مدارس و دانش‌آموزان در زمینه ارتقا شایستگی‌های گوناگون
		تمرکز بر ارزشیابی‌های استنادی و مداد و کاغذی
		ضعف در توجه به شایستگی‌های بین‌فردی به دلیل توجه بیشتر به ابعاد فردی و دانشی
	ضعف در اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی	عدم توجه به استانداردهای آموزشی مطلوب ارزشیابی توصیفی در کلاس‌های آموزشی
		توجه بیش از حد به حیطه‌های سطحی یادگیری و عدم توجه به ابعاد پنهان آموزش و استعداد‌های فراگیران
		تمایل به رقابت بین‌فردی و سبقت‌گرفتن از دیگری در دانش‌آموزان
		بی‌توجهی به شایستگی‌های فردی و منحصر به فرد از سوی فرد و اجتماع
	ضعف خودشناسی و خودآگاهی فراگیران	عدم توانمندی در شناسایی و ارتقا شایستگی‌های فردی از سوی دانش‌آموزان
		غفلت از ابعاد جدید و نیازهای روز جامعه در بین دانش‌آموزان
		عدم آگاهی نسبت به ابعاد متعدد شایستگی‌ها از سوی خانواده و شناسایی ابعاد آن در فرزندان

۳
۱
۴

تحلیل و بررسی بیانات مشارکت‌کنندگان نشان داد که شرایط و عوامل مؤثر بر نظام آموزشی در راستای پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران شامل تمرکزگرایی نظام آموزشی، ضعف در اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی، ضعف خودشناسی و خودآگاهی فراگیران است.

۱-۲ تمرکزگرایی نظام آموزشی: از عوامل مؤثر بر وضعیت جاری پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران، ارائه نسخه‌های یکسان واحد برای نظام آموزشی به دلیل تمرکزگرایی آن است. در این زمینه شاخص‌هایی چون ارائه خط و مشی‌های آموزشی - تربیتی از سوی واحدهای سیاست‌گذاری به شکل متمرکز، نگاه به مدارس و معلمان به‌عنوان مجربان وفادار برنامه درسی، عدم توجه به تفاوت‌های بومی - محلی در برنامه‌های درسی شایستگی محور، عدم توجه به کارکردهای متفاوت مدارس و دانش‌آموزان از سوی، ضعف اختیار دهی به مدارس و دانش‌آموزان در زمینه‌ی ارتقا شایستگی‌های گوناگون احصا گردید. در ادامه به نمونه‌ای از نقل‌قول‌های مرتبط با این بخش اشاره می‌شود:

معلم (۱۱) در این زمینه بیان داشت: "مدارس دارای پتانسیل‌های مختلفی برای اجرای طرح‌های شایستگی محور است. یکی از این پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها و اولیا و معلمان هستند. اولیا و معلمان به‌عنوان ارکان و آموزشی همواره باید مورد توجه و تأکید طرح‌های آموزشی باشند و اگر مشارکت معلمان و اولیا در طرح‌های آموزشی کنار گذاشته شود آن طرح و برنامه با شکست روبرو است و برای اینکه این مشارکت را بتوانیم جلب کنیم باید نظام آموزشی ما مشارکت پذیر باشد و همه چی بخشنامه‌ای اجرا نشه."

۲-۲ ضعف در اجرای ارزشیابی کیفی-توصیفی: از دیگر عوامل مؤثر وضعیت جاری پرورش دادن شایستگی‌های فراگیران، لزوم توجه به ارزشیابی کیفی - توصیفی و ابعاد آن است. ذیل این محور در شرایط علی، مقوله‌هایی همچون، تمرکز بر ارزشیابی‌های استنادی و مداد و کاغذی، ضعف در توجه به شایستگی‌های بین فردی به دلیل توجه بیشتر به ابعاد فردی و دانشی، عدم توجه به استانداردهای آموزشی مطلوب ارزشیابی توصیفی در کلاس‌های آموزشی، توجه بیش‌ازحد به حیطه‌های سطحی یادگیری و عدم توجه به ابعاد پنهان آموزش و استعدادهای فراگیران احصا گردید. برای نمونه معلم (۸) بیان داشت:

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

در مدارس ما و نظام آموزشی ما به طور کلی اسب کنکور همچون اسبی پیشران ارباب نظام آموزشی را به دنبال خود می‌کشد و نظام آموزشی تابع کنکور و ارزشیابی‌های این‌چنینی شده است، به همین خاطر دانش‌آموزان ما صرفاً به حفظیات و مطالب کتاب گرایش دارند و از سایر ابعاد شایستگی غافل شده‌اند."

۳-۲ ضعف خودشناسی و خودآگاهی فراگیران: ضعف آگاهی درزمینه‌ی خودشناسی از دیگر عوامل و علل وضعیت جاری پرورش شایستگی فراگیران است. این محور مشتمل بر تمایل به رقابت بین فردی و سبقت گرفتن از دیگری در دانش‌آموزان، بی‌توجهی به شایستگی‌های فردی و منحصر به فرد از سوی فرد و اجتماع، عدم توانمندی در شناسایی و ارتقا شایستگی‌های فردی از سوی دانش‌آموزان، غفلت از ابعاد جدید و نیازهای روز جامعه در بین دانش‌آموزان، عدم آگاهی نسبت به ابعاد متعدد شایستگی‌ها از سوی خانواده و شناسایی ابعاد آن در فرزندان بود. در این زمینه به‌عنوان نمونه مدیر (۵) بیان داشت:

" دانش‌آموزان ما نسبت به خودشان شناخت پایینی دارند و این عامل در نظام آموزشی نیز برطرف نشده است یعنی نظام آموزشی نتوانسته با سازوکار معین، خودشناسی دانش‌آموزان را بالا ببرد که نسبت به توانایی‌ها و ابعاد وجودی خودشان آگاه‌تر بشن."

۳- راهبردها

راهبردها، استراتژی‌هایی هستند که باهدف خاصی برای اداره و کنترل پدیده موردنظر صورت می‌پذیرد (Strauss & Corbin, 2008). راهبردها مبتنی برکنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و بازخورد پدیده مورد بررسی هستند. راهبردها هدفمند بوده و به دلیلی صورت می‌گیرند. در پژوهش حاضر تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده سه راهبرد شامل شبکه‌سازی در زمینه پرورش شایستگی‌ها، ارتقا مهارت‌ها و شایستگی‌های عوامل دخیل در پرورش دادن شایستگی، توجه به تفاوت‌های فردی و بومی در زمینه شایستگی بوده است. نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول ۳ گزارش شده است.

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت کنندگان (کدباز)
		ایجاد بسترهای تعاملی و ارتباطی مبتنی بر ابعاد و انواع شایستگی بین معلمان
		ایجاد ارتباطات سازنده معلمان با والدین و دانش‌آموزان در زمینه پرورش دادن و ارتقا جنبه‌های مشارکتی
شبکه‌سازی در زمینه پرورش شایستگی‌ها		ایجاد زمینه‌سازی گفت‌وگوهای حرفه‌ای شایستگی محور بین معلمان در مناطق و استان‌های مختلف
		ایجاد زمینه‌های ارشادگری و کوچینگ در زمینه ارتقا شایستگی‌ها توسط متخصصان
		برگزاری مستمر جلسات هم‌اندیشی پیرامون پرورش شایستگی‌ها و ابعاد سند تحول با انجمن‌های درون مدرسه‌ای
		توجه به شناخت شایستگی‌های متنوع در ساحت‌های تربیتی از سوی مدیران و معلمان
		مدیریت منابع انسانی در مدرسه متناسب با ارتقا شایستگی‌های گوناگون
ارتقا مهارت‌ها و شایستگی‌های عوامل دخیل در پرورش شایستگی		ملاحظات فردی و پشتیبانی از افراد و ایده‌های متفاوت در حوزه شایستگی‌های فردی
		برگزاری دوره‌های ارتقا و توسعه صلاحیت حرفه‌ای مدیران متناسب با شناسایی و ارتقا شایستگی‌های دانش‌آموزان
		آشناسازی والدین با زمینه‌های کاری مدارس در حوزه شایستگی و واسپاری مسئولیت به ایشان در این زمینه
		کاهش تمرکزگرایی و بهادادن به خرده سیستم‌ها در زمینه ارتقا شایستگی‌های متنوع در نظام آموزشی
		پرداختن به ظرفیت‌های بوم و مناطق در راستای شناسایی شایستگی‌های فرهنگی متناسب
توجه به تفاوت‌های فردی و بومی در زمینه شایستگی		توجه به تفاوت‌های شخصیتی برخاسته از ابعاد درونی در ترسیم دایره شایستگی‌های مورد انتظار از فراگیر
		ایجاد نیازسنجی در حوزه برنامه درسی شایستگی محور از معلمان هر بوم

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

تحلیل مصاحبه‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد راهبردهای جاری نظام آموزشی در راستای پرورش شایستگی‌های فراگیران را می‌توان در سه مؤلفه محوری شامل، نشان‌دهنده سه راهبرد شامل شبکه‌سازی در زمینه پرورش شایستگی‌ها، ارتقا مهارت‌ها و شایستگی‌های عوامل دخیل در پرورش شایستگی، توجه به تفاوت‌های فردی و بومی در زمینه شایستگی سازمان داد.

۱-۳ شبکه‌سازی در زمینه پرورش شایستگی‌ها: ازجمله راهبردهای ارائه‌شده در راستای پرورش شایستگی‌های فراگیران، طبق برداشت از مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده می‌توان، شبکه‌سازی و هم‌افزایی در زمینه پرورش شایستگی را ذکر کرد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که در صورتی که عوامل و ارکان دخیل به سمت همیاری و مشارکت پیش برود مشکلات در این زمینه مرتفع خواهد شد. ازجمله کدهای احصا شده در این زمینه می‌توان به ایجاد بسترهای تعاملی و ارتباطی مبتنی بر ابعاد و انواع شایستگی بین معلمان، ایجاد ارتباطات سازنده معلمان با والدین و دانش‌آموزان در زمینه پرورش و ارتقا جنبه‌های مشارکتی، ایجاد و زمینه‌سازی گفت‌وگوهای حرفه‌ای شایستگی محور بین معلمان در مناطق و استان‌های مختلف، ایجاد زمینه‌های ارشادگری و کوچینگ در زمینه ارتقا شایستگی‌ها توسط متخصصان، برگزاری مستمر جلسات هم‌اندیشی پیرامون شایستگی‌ها و ابعاد سند تحول با انجمن‌های درون مدرسه‌ای اشاره کرد. در این زمینه به‌عنوان نمونه مدیر (۳) بیان داشت:

"عوامل دخیل در توسعه شایستگی‌ها باید با هم متحد و برای یک هدف ویژه و آن‌هم ارتقا همه‌جانبه شایستگی‌های دانش‌آموزان حرکت کنند، در این زمینه می‌توان به نهادهای فرهنگی، اجتماعی و... اشاره کرد که می‌توانند با آموزش و پرورش و عوامل آن همراه شوند."

۲-۳ ارتقا مهارت‌ها و شایستگی‌های عوامل دخیل در پرورش شایستگی: طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش، شایستگی‌ها عوامل تأثیرگذار در زمینه توسعه شایستگی‌های دانش‌آموزان باید مدنظر قرار گیرد و با برنامه‌های متناسب تقویت گردد. در این زمینه کدهای توجه به شناخت شایستگی‌های متنوع در ساحت‌های تربیتی از سوی مدیران و معلمان، مدیریت منابع انسانی در مدرسه متناسب با ارتقا شایستگی‌های گوناگون، ملاحظات فردی و پشتیبانی از افراد و ایده‌های متفاوت در حوزه شایستگی‌های فردی، برگزاری دوره‌های ارتقا و توسعه

صلاحیت حرفه‌ای مدیران متناسب با شناسایی و ارتقا شایستگی‌های های دانش‌آموزان، آشناسازی والدین با زمینه‌های کاری مدارس در حوزه شایستگی و واسپاری مسئولیت به ایشان در این زمینه اشاره کرد. در این باره مدیر (۳) بیان داشت:

"برای مدیریت مدارس باید ما مدیران آگاه دانا و توانمند داشته باشیم و برای اینکه ما مدیران توانمند داشته باشیم باید آن‌ها تعهد کاری، یادگیری مادام‌العمر و مدیریت زمان را آموزش دیده باشند. همچنین باید بدانند که چگونه از ظرفیت‌های بومی و منطقه‌ای خودشان در راستای ارتقا شایستگی‌های فراگیران استفاده کنند."

۳-۳ توجه به تفاوت‌های فردی و بومی درزمینه‌ی شایستگی: از دیگر راهبردهای مدنظر مشارکت‌کنندگان درزمینه پرورش شایستگی‌های فراگیران، توجه به تفاوت‌های فردی و بومی درزمینه‌ی شایستگی بود. در این زمینه مواردی همچون کاهش تمرکزگرایی و بها دادن به خرده سیستم‌ها درزمینه‌ی ارتقا شایستگی‌های متنوع در نظام آموزشی، پرداختن به ظرفیت‌های بوم و مناطق در راستای شناسایی شایستگی‌های فرهنگی متناسب، توجه به تفاوت‌های شخصیتی برخاسته از ابعاد درونی در ترسیم دایره شایستگی‌های مورد انتظار از فراگیر، ایجاد نیازسنجی در حوزه برنامه درسی شایستگی محور از معلمان هر بوم اشاره شد. به‌عنوان نمونه مدیر (۱۲) بیان داشت:

"آنچه در سطح آموزش و پرورش و به‌خصوص مناطقی مختلف فرهنگی، مدنظر است و می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد این است که بتوانیم از تجربیات همکاران و مدیران توانمند در زمینه ارتقا شایستگی‌های دانش‌آموزان استفاده کنیم برای استفاده از این تجربیات نیاز به بسترسازی برای انتقال تجربیات داریم که به نظر من می‌توانیم با مربیگری و ایجاد فضای کوچینگ این انتقال تجربه شکل صحیح انجام دهیم بالاخره مدارس و مدیرانی که این شرایط را دارا بوده‌اند تجربیات بسیار مفیدی در این زمینه دارند."

۴- عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای نشان‌دهنده یک‌سری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌های دلالت می‌کند و محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌های در طول یک بُعد است که پدیده در آن نهفته است

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

(Strauss & Corbin, 2008). نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول ۴

گزارش شده است.

جدول ۴: عوامل زمینه‌ساز وضعیت جاری نظام آموزشی در راستای پرورش شایستگی‌های فراگیران

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
	زمینه‌های فردی	ضعف در شناخت نیازها، محدودیت‌ها و پیشرفت ظرفیت‌های وجودی خویش و دیگران.
		عدم توانایی درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه یا تحولات اجتماعی و سیاسی
		ضعف علاقه و انگیزه نسبت به شایستگی‌های مدنظر نظام آموزشی
		ضعف فردی عوامل و ارکان دخیل در توسعه شایستگی دانش‌آموزان اعم از معلمان و مدیران و...
		قیاس فردی و بی‌توجهی به شخصیت فردی در نهادینه‌سازی شایستگی
	زمینه‌های آموزشی	غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان باهدف رشد شایستگی‌های ارتباطی و اجتماعی دانش‌آموزان به کمک ارکان آموزشی
		تبعیض در سیستم آموزشی و چند دسته شدن آموزش و مدارس
		اختصاص مشاور و معاون اختصاصی به مدارس در راستای کمک به توسعه شایستگی‌های فردی و اجتماعی
		آموزش نمره محور و عدم توجه به شایستگی
		آموزش تراکمی و تجمیعی در راستای دستیابی به اهداف آموزشی (تک‌بعدی سازی شایستگی‌ها)
	زمینه‌های اجتماعی	تأکید بیشتر بر نمودهای بیرونی شایستگی در بافت اجتماعی
		تعامل ضعیف خانواده و مدرسه در زمینه شناسایی و هدایت شایستگی‌های فراگیران
		توجه به ارزش‌های اجتماعی (شایستگی‌های جمعی) مبتنی بر بافت فرهنگی مدرسه از سوی عوامل مرتبط
		توجه به عدالت‌محوری در فرایندهای درون مدرسه‌ای و برون مدرسه‌ای
		توجه به یادگیری‌های غیررسمی مبتنی بر شایستگی دانش‌آموزان و بررسی آن

عوامل محیطی - زمینه‌ای

توضیح زمینه‌های شکل‌گیری شایستگی به فهم عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن نیازمند است. مقوله شرایط زمینه‌ای همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، شامل زمینه‌های فردی، آموزشی و اجتماعی می‌شود که در ادامه به تفکیک و ترتیب به ارائه نظرگاه‌های مرتبط با هر کد پرداخته می‌شود.

۴-۱ زمینه‌های فردی: این عوامل از مهم‌ترین عوامل مؤثر در زمینه‌ی پرورش شایستگی‌های فراگیران است. با توجه به تحلیل نظرات مشارکت‌کنندگان آنچه از مجموع کدهای قرارگرفته در این بخش احساس می‌شود این است که نظام آموزشی با توجه به زمینه‌های فردی و تقویت آن می‌تواند به زمینه اصلی توسعه شایستگی‌های فراگیران اشاره داشت. در این زمینه مؤلفه‌هایی همچون ضعف در شناخت نیازها، محدودیت‌ها و پیشرفت ظرفیت‌های وجودی خویش و دیگران، عدم توانایی درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه یا تحولات اجتماعی و سیاسی، ضعف علاقه و انگیزه نسبت به شایستگی‌های مدنظر نظام آموزشی، ضعف فردی عوامل و ارکان دخیل در توسعه شایستگی دانش‌آموزان اعم از معلمان و مدیران و ...، قیاس فردی و بی‌توجهی به شخصیت فردی در پرورش شایستگی بودند. در این زمینه به‌عنوان نمونه معلم (۵) بیان داشتند:

" دانش‌آموزان باید بتوانند جایگاه خود را در هر موقعیتی تعریف کنند و این مهم به دست نمی‌آید مگر این‌که دانش‌آموز ما به شناخت کافی از شایستگی‌های فعلی خود و جایگاه مطلوب برای خود دست‌یافته باشد."

۴-۲ زمینه‌های آموزشی: از دیگر زمینه‌های مؤثر بر پرورش شایستگی‌های دانش‌آموزان، زمینه‌های آموزشی و عوامل مرتبط با آموزش‌های درون مدارس و ارکان آن است. در این زمینه مؤلفه‌های همچون غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان باهدف رشد شایستگی‌های ارتباطی و اجتماعی دانش‌آموزان به کمک ارکان آموزشی، تبعیض‌های ناروا در سیستم آموزشی و چند دسته شدن آموزش و مدارس، اختصاص مشاور و معاون اختصاصی به مدارس در راستای کمک به توسعه شایستگی‌های فردی و اجتماعی، بی‌توجهی به آموزش مبتنی بر تفاوت (آموزش نمره محور و قیاسی)، آموزش تراکمی و تجمیعی در راستای دستیابی به اهداف آموزشی (تک‌بعدی سازی شایستگی‌ها) است. به‌عنوان نمونه معلم (۶) بیان داشت: "آموزش‌های معلمان ما دانش‌آموزان را به سمت توجه به ارزشیابی سوق داده و صرفاً تلاش‌ها برای دستیابی به نمره خوب از طریق معلومات هست. آیا به توانایی‌های اعتقادی دانش‌آموز،

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

ارزش‌های فکری، استدلال و تفکر، توانایی کار اقتصادی و مهارت‌آموزی و ... هم به‌اندازه معلومات توجه صورت می‌گیره؟ چجوری توقع داریم به اهداف و شایستگی‌های مدنظر سند تحول بنیادین برسیم؟"

۳-۴ زمینه‌های اجتماعی: طبق بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش بخش‌های اجتماعی از زمینه‌های مؤثر بر پرورش شایستگی‌های دانش‌آموزان است. مؤلفه‌های تأکید بیشتر بر نمودهای بیرونی شایستگی در بافت اجتماعی، تعامل ضعیف خانواده و مدرسه در زمینه‌ی شناسایی و هدایت شایستگی‌های فراگیران، توجه به ارزش‌های اجتماعی (شایستگی‌های جمعی) مبتنی بر بافت فرهنگی مدرسه از سوی عوامل مرتبط، توجه به عدالت محوری در فرایندهای درون مدرسه‌ای و برون مدرسه‌ای

توجه به یادگیری‌های غیررسمی مبتنی بر شایستگی دانش‌آموزان و بررسی آن است. در این زمینه به‌عنوان مثال مدیر (۳) بیان کرد:

" کار مدرسه در راستای نیازهای اجتماعی است و بخش عمده فعالیت مدرسه برخاسته از همین نیازهاست، حالا تا چه اندازه مدارس ما اجتماع‌محور هستند و به این فعالیت‌ها توجه دارند؟ مدارس ما داره چند و چندین شعبه‌ای میشه و این مصداق بارز عدم توجه به طیفی از فراگیران و پرداختن زیادی به طیف دیگه ایه که شایستگی‌های اجتماعی و عدالتی رو زیر سؤال میبره."

۵-عوامل مداخله‌گر

شرایط میانجی / مداخله‌گر، شامل شرایط ساختاری هستند که موجب تسهیل یا تضعیف در زمینه پدیده و راهبردها می‌شوند (Strauss & Corbin, 2008). در جدول شماره ۵ با توجه به دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عوامل مداخله‌گر پرورش شایستگی‌های فراگیران ارائه گردید.

جدول ۵: عوامل مداخله‌گر پرورش شایستگی‌های فراگیران

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
عوامل مداخله‌گر	میزان توجه به	میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه سند تحول در کتب درسی
	برنامه درسی تمام	میزان پابندی معلمان به ارتقا شایستگی‌های مرتبط با ساحت‌های برنامه درسی در آموزش
	ساحتی	میزان توجه به ساحت‌های تربیتی در اهداف برنامه‌های مدرسه‌ای

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
		میزان تأکید بر برنامه درسی پنهان و تأثیر آن در نهادینه‌سازی شایستگی‌ها
		میزان اهمیت و ارزش‌گذاری به فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر فعالیت فراگیران
		درجه انعطاف‌پذیری و تأکید بر رویکردهای خلاق در آموزش
	میزان استفاده از رویکردهای خلاق و فعال	تغییر رویکرد مهندسی برنامه‌های درسی به برنامه‌های درسی مشارکتی در مدرسه
		توجه به رویکردهای ترکیبی و فعال به‌جای رویکردهای تفکیکی در شایستگی‌ها
		استفاده از روش‌های خلاقیت محور و انتقادی در آموزش
		میزان توجه به معیارهای متنوع ارزشیابی در طراحی
	میزان توجه به تنوع در روش‌های ارزشیابی و معیارهای آن	میزان التزام به ارزشیابی چند روشی و توجه به ابعاد پنهان یادگیری و توسعه شایستگی در آن
		میزان شناخت از پیچیدگی‌های ارزشیابی در راستای کاربردی‌سازی آن در نهادینه‌سازی شایستگی
		میزان توجه به روش‌های توسعه شایستگی‌ها به کمک روش‌های پروژه محور

پرورش شایستگی‌های فراگیران به عوامل مختلفی بستگی داشته و از آن تأثیر می‌پذیرد در میان نظرات مشارکت‌کنندگان وجود برخی عوامل، میزان توجه به آن در مدارس است؛ در این میان با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان سه محور میزان توجه به برنامه درسی تمام‌ساحتی، میزان توجه به خصوصیات فردی و استعدادهای فراگیران، میزان توجه به تنوع در روش‌های ارزشیابی و معیارهای آن از این عوامل بودند.

۱-۵ میزان توجه به برنامه درسی تمام‌ساحتی: از جمله عوامل مداخله‌گر در پرورش شایستگی فراگیران، میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه و ابعاد شایستگی است. ذیل این محور کدهای میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه سند تحول در کتب درسی، میزان پایبندی معلمان به ارتقا شایستگی‌های مرتبط با ساحت‌های برنامه درسی در آموزش، میزان توجه به ساحت‌های تربیتی

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

در اهداف برنامه‌های مدرسه‌ای، میزان تأکید بر برنامه درسی پنهان و تأثیر آن در پرورش شایستگی‌ها قرار گرفتند.

در این زمینه مدیر (۴) که از مدیران برجسته شهرستانی مدرسه بود بیان داشت:
"توجه ویژه به حوزه اعتقادی باعث شده است دانش‌آموزان اولویت‌های پرورشی را در دستور کار قرار دهند و به آن توجه داشته باشند در حالیکه بسیاری از حوزه‌های دیگر زیر سایه حوزه پرورشی و دینی قرار گرفته است."

۲-۵ میزان استفاده از رویکردهای خلاق و فعال در آموزش: در این زمینه مشارکت‌کنندگان در پژوهش خواستار تغییر رویکردهای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های درسی در مقطع ابتدایی از مهندسی برنامه به رویکردهای مشارکتی و تربیتی و توجه به رویکرد وحدت‌گرا و ترکیبی به جای رویکرد تفکیکی در تلفیق شایستگی‌ها در برنامه‌های درسی و اجرای آن بودند. در دیدگاه تفکیکی اقدامات برنامه‌ریزی شامل تولید، اجرا و ارزشیابی به صورت منفک و مجزا در نظر گرفته می‌شود در صورتی که در دیدگاه ترکیبی این سه اقدام با هم در نظر گرفته می‌شود: (مانروپ، ۲۰۱۲). در ادامه به نمونه‌هایی از بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره می‌شود:
در این زمینه معلم (۵) بیان داشت:

"باید اجرای برنامه‌های درسی به صورت رویکردهای فعال و خلاق باشد نه اینکه دانش‌آموز به صورت منفعل در کلاس در نظر گرفته بشه یا اصلاً زمینه‌های تفکر انتقادی در اون در نظر گرفته نشود"

۳-۵ میزان توجه به تنوع در روش‌های ارزشیابی و معیارهای آن: پژوهشگران با احصا کدهای مربوط به عوامل مداخله‌ای پرورش شایستگی‌های فراگیران، را میزان توجه به تنوع در روش‌های ارزشیابی و معیارهای آن به‌عنوان یکی از کدهای محوری مربوط به این حوزه دسته‌بندی نمودند. به عقیده مشارکت‌کنندگان، داشتن آگاهی نسبت به روش‌های ارزشیابی و معیارهای آن می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. در این رابطه مدیر (۵) بیان داشتند:

"اینکه یک معلم خودش تخصص و تحصیلات لازم را در زمینه ابزارهای ارزشیابی و شناخت نسب به آن داشته باشد می‌تواند بسیار به اجرای طرح‌های مختلف از جمله فعالیت شایستگی محور در ارزشیابی

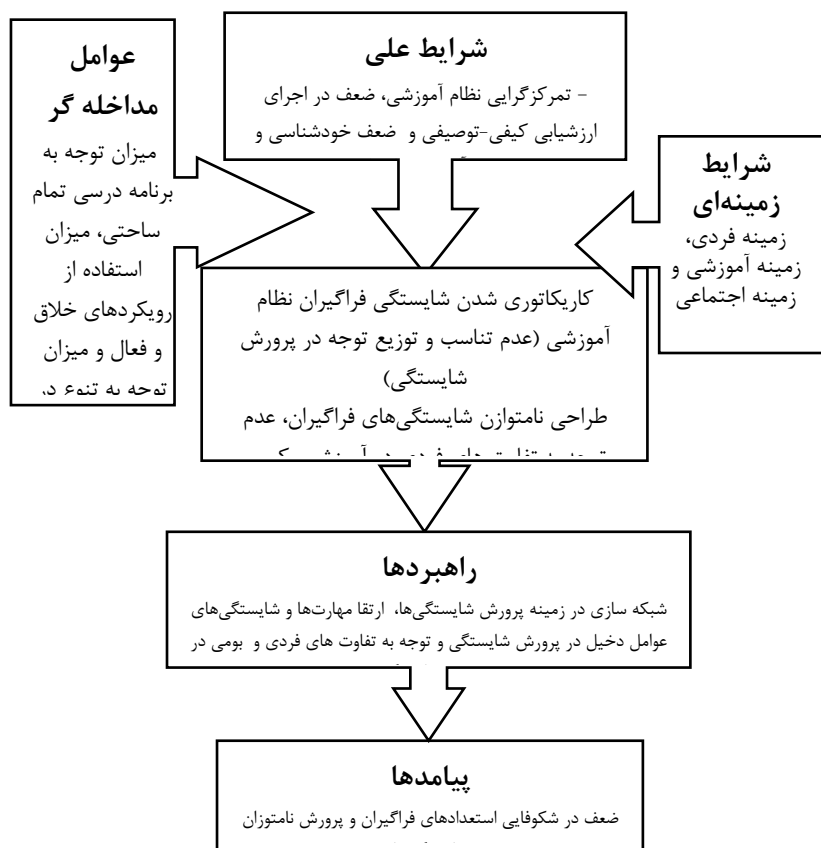
کمک کند. معلمانی که خود تحصیلات و تخصص لازم در این زمینه دارند بهتر و با جزئیات بیشتری آموزش‌ها و فعالیت در این زمینه را متوجه شده و در نتیجه بهتر می‌توانند اجرا کنند."

۶- پیامدها

پیامدها نتایجی هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به پدیده موردنظر حاصل می‌شوند. پس از استقرار نظام شایستگی فراگیران باتوجه به عوامل مطرح شده، پیامدهایی قابلیت دستیابی خواهد بود. در سطح خرد با تصحیح کارکردهای مدرسه به‌عنوان یک واحد آموزشی شایستگی محور روبرو خواهیم بود که باعث می‌شود اصل ارتقا دانش، بینش و مهارت دانش‌آموزان بر مبنای تفاوت‌های فردی ایشان تحقق یابد. در سطح کلان پیامد متصور برای الگوی پرورش شایستگی، تحقق جامعه رشدیافته و متعالی از حیث فارغ‌التحصیلانی دارای صلاحیت و شایستگی‌های فردی و اجتماعی قابل تحقق است. این مهم زمینه ارتقا و شناسایی استعدادها، پتانسیل‌ها و منابع انسانی و فرهنگی مدارس را فراهم می‌کند. اما پیامد وضعیت جاری در زمینه پرورش شایستگی‌های فراگیران باتوجه به مصاحبه‌های صورت گرفته، ضعف در شکوفایی استعدادهای فراگیران و پرورش نامتوازن شایستگی‌ها است که باید در این زمینه مذاقه صورت گیرد.

مدل پارادایمی برآمده از داده‌ها

باتوجه به کدگذاری باز، محوری و انتخابی؛ مدل پارادایمی وضعیت جاری پرورش شایستگی‌های فراگیران دوره ابتدایی در نظام آموزش و پرورش در شکل شماره ۱ ارائه شده است.



بحث و نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی که بر ابعاد مختلف جامعه تأثیرگذار است همواره به دنبال شکل‌گیری شخصیت سالم و نهادینه‌شدن آموزه‌های ارزشمند در کودکان و نوجوانان است تا از این طریق تربیت صحیح را محقق سازد. معیارهای مذکور از طریق چارچوب‌های شایستگی در مدارس و مراکز سیاست‌گذاری آموزشی مشخص می‌شوند. اما در طول سال‌های اخیر، پژوهش‌های نشان‌دهنده وضعیت غیراستاندارد دستیابی و پرورش شایستگی‌های فراگیران در نظام آموزشی بوده است؛ لذا در پژوهش حاضر به بررسی الگوی جاری پرورش شایستگی‌های

فراگیران در مدارس پرداخته شد. باتوجه به چارچوب روشی پژوهش حاضر (رویکرد اشتراوس و کوربین) داده‌های پژوهشی در ۵ محور ارائه گردید که در ادامه به تبیین آن پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر مرکز ثقل الگوی جاری نظام آموزشی در راستای پرورش شایستگی‌های فراگیران " کاریکاتوری شدن شایستگی فراگیران نظام آموزشی " احصا گردید. در این زمینه تحلیل مصاحبه‌ها به سه مقوله محوری، طراحی نامتوازن شایستگی‌های فراگیران، عدم توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش، کسب ناقص شایستگی‌های مدنظر منجر شد. به اعتقاد نگارنده در برنامه‌های درسی موجود مدارس مبحث شایستگی به‌درستی موردتوجه قرار نگرفته است از سویی مجریان برنامه‌های درسی بدون توجه به ویژگی‌های فردی و شخصیتی فراگیران که به‌عنوان اصل اساسی در پرورش شایستگی و استعداد است برنامه‌های درسی را اجرا می‌کنند که در نهایت منجر به کسب ناقص برنامه‌ها توسط فراگیران می‌شود این مهم مانند دور باطل منجر به ضعف شایستگی فراگیران می‌شود. در تبیین یافته‌های پژوهشی این بخش می‌توان به یافته‌های آندر و همکاران (Andre et Al, 2018)، رباطی و جاودانی (Robati & Javedani, 2023) و جعفری کمانگر و زارعی (Jafari Kamangar & Zarei, 2021) اشاره داشت که در بررسی ابعاد شایستگی فراگیران، مهم‌ترین اصل را بر تناسب و توزیع دایره شایستگی نهاده بودند. همان‌گونه که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد، ابعاد این عدم تناسب به حوزه‌های مختلف، طراحی، اجرا و درونی‌سازی برمی‌گردد که درنهایت متأثر از مواردی همچون توجه بیش از حد به بعد شناختی برنامه درسی و غفلت از ابعاد بینشی و مهارتی در تدوین شایستگی‌ها، عدم توجه به وحدت محتوا و تجارب یادگیری فراگیران در برنامه‌های مدنظر، بی‌توجهی به نقش فراگیر و ابعاد سازنده گرا در پرورش شایستگی‌های حوزه فردی، استفاده از رویکردها و روش‌های مستقیم و یک‌طرفه در پرورش شایستگی‌های فراگیران و عواملی ازاین‌دست است که هم به حوزه طراحی و هم اجرای برنامه‌های شایستگی محور اشاره دارند. شرایط علی در هر پژوهشی نشان‌دهنده شرایط و مفاهیمی است که پدیده اصلی متأثر از آن است، تحلیل و بررسی بیانات مشارکت‌کنندگان نشان داد که شرایط و عوامل علی مؤثر بر نظام آموزشی در راستای پرورش شایستگی‌های فراگیران شامل تمرکزگرایی نظام آموزشی، ضعف در اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی، ضعف خودشناسی و خودآگاهی فراگیران است. تمرکزگرایی نظام آموزشی با نادیده‌انگاشتن تفاوت‌های بومی و یا ضعف اجرایی در آن باعث

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

می‌شود، شایستگی‌های فراگیران با استعداد‌های مختلف منصفه ظهور و بروز نیابد که با عامل دوم در این بخش، یعنی ضعف در خودشناسی نیز مرتبط است، ضعف آگاهی در زمینه خودشناسی از دیگر عوامل و علل وضعیت جاری پرورش شایستگی فراگیران است. این محور مشتمل بر تمایل به رقابت بین‌فردی و سبقت‌گرفتن از دیگری در دانش‌آموزان، بی‌توجهی به شایستگی‌های فردی و منحصربه‌فرد از سوی فرد و اجتماعی است که باعث شده است زمینه‌های بروز شایستگی‌های استعدادی منحصربه‌فرد به حاشیه رانده شود. عامل بعدی در این بخش، ضعف در اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی است. ارزشیابی کیفی - توصیفی با پرداختن به جنبه‌های کیفی و ابعاد مختلف دایره شایستگی فراگیران را بیشتر و با جامعیت بالاتری در برمی‌گیرد که بنا به مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان از جمله علل الگوی جاری پرورش شایستگی‌های فراگیران است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به لزوم بازنگری در ارکان فردی و آموزشی برای دستیابی به شایستگی‌های فراگیران در نظام آموزشی اشاره داشت که در پژوهش‌های مذکور نیز به آن پرداخته شده است. یوسف‌زاده و شاه مرادی (Yousefzadeh & Shah Moradi, 2020) در راستای یافته‌های این پژوهش به این نتیجه رسیدند که تمرکزگرایی در سیستم آموزشی کشور مانع توجه به شایستگی‌های منحصربه‌فرد فراگیران می‌شود؛ همچنین جعفری کمانگر و زارعی (Jafari Kamangar & Zarei, 2021) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که استفاده از رویکرد مناسب ارزشیابی منجر به پرورش استعداد فراگیران می‌شود.

راهبردها مبتنی برکنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و بازخورد پدیده مورد بررسی هستند. راهبردها هدفمند بوده و به دلیلی صورت می‌گیرند. در پژوهش حاضر تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده سه راهبرد شامل شبکه‌سازی در زمینه پرورش شایستگی‌ها، ارتقا مهارت‌ها و شایستگی‌های عوامل دخیل در پرورش شایستگی، توجه به تفاوت‌های فردی و بومی در زمینه شایستگی بوده است. در تبیین یافته‌های این بخش می‌توان اشاره داشت که شبکه‌سازی در راستای دستیابی به اهداف نظام آموزشی که در پژوهش‌های مذکور نیز به آن اشاره شده است ازجمله راهبردهای مؤثر برای پرورش شایستگی‌های فراگیران است، همچنین ارتقا مهارت‌های عوامل دخیل در پرورش شایستگی که در پژوهش‌های مذکور نیز به آن پرداخته شده است ازجمله عواملی است که باعث شده است، زمینه این مشارکت و شبکه‌سازی گسترش یافته و افراد بتوانند در سایه یک بستر توانمند به آن بپردازند. علی‌پور و همکاران (Alipour et Al,

(2018) در پژوهش خود هم‌راستای یافته‌های پژوهش حاضر توجه به توسعه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان را از جمله عوامل مؤثر بر پرورش شایستگی‌های فراگیران بیان داشتند. همچنین لوزانو و همکاران (Lozano et Al, 2017) در راستای یافته‌های پژوهش حاضر توجه به زمینه‌های بومی و فرهنگی در پرورش شایستگی فراگیران را بیان داشتند.

تبیین زمینه‌های شکل‌گیری شایستگی به فهم عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن نیازمند است. مقوله شرایط زمینه‌ای در این پژوهش نشان‌دهنده، زمینه‌های فردی، آموزشی و اجتماعی بود که بر پدیده محوری حکم‌فرما است. زمینه‌های فردی در این پژوهش به عوامل فردی و شخصیتی مؤثر در پرورش شایستگی فراگیران اشاره دارد و از ابعاد کلان تا سطح دانش‌آموز گسترش یافته است. از جمله این عوامل عدم توانایی درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه یا تحولات اجتماعی و سیاسی، ضعف علاقه و انگیزه نسبت به شایستگی‌های مدنظر نظام آموزشی، ضعف فردی عوامل و ارکان دخیل در توسعه شایستگی دانش‌آموزان اعم از معلمان و مدیران و... بود که نشان‌دهنده این گستردگی در بعد فردی است. زمینه‌های آموزشی با اشاره به فعالیت‌های حرفه‌ای معلم جنبه‌های بدیع آموزشی و غنی‌سازی آموزش برای دستیابی به شایستگی‌های جامع را مدنظر قرار داده است و زمینه‌های اجتماعی با پرداختن به ابعاد اجتماعی مؤثر بر پرورش شایستگی از جمله توجه به ارزش‌های اجتماعی (شایستگی‌های جمعی) مبتنی بر بافت فرهنگی مدرسه از سوی عوامل مرتبط، توجه به عدالت‌محوری در فرایندهای درون مدرسه‌ای و برون مدرسه‌ای، توجه به یادگیری‌های غیررسمی مبتنی بر شایستگی دانش‌آموزان و بررسی آن به دنبال تبیین بسترهای شکل‌گیری پدیده محوری است. در تبیین این یافته‌ها بیشتر می‌توان به ابعاد فردی و جمعی مؤثر بر دوری از شایستگی‌های مدنظر نظام آموزشی در جوامع مختلف پرداخت که نشان‌دهنده شمولیت بالای بسترهای شکل‌گیری و پرورش شایستگی در فراگیران است. گوئیج^۱ و همکاران (Kooij et Al, 2023) در پژوهش خود در راستای یافته‌های پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدند که غنی‌سازی آموزش و محیط آموزشی منجر به بهبود پرورش شایستگی فراگیران می‌شود. همچنین رباطی و جاودانی (Robati & Javedani, 2023) در پژوهش خود توجه به علاقه و انگیزه فراگیران و ابراهیمی (Ebrahimi,

وضعیت جاری آموزش و پرورش در جهت پرورش...

(2021) در پژوهش خود توجه به فرایندهای درون مدرسه‌ای را در راستای پرورش شایستگی‌های فراگیران مهم بیان کردند.

شرایط میانجی / مداخله‌گر، شامل شرایط ساختاری هستند که موجب تسهیل یا تضعیف در زمینه پدیده و راهبردها بودند. به عقیده مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر سه محور میزان توجه به برنامه درسی تمام‌ساحتی، میزان توجه به روش‌های فعال در تدریس و برنامه‌ریزی، میزان توجه به تنوع در روش‌های ارزشیابی و معیارهای آن از جمله عوامل مداخله‌گر در این زمینه بودند. از جمله عوامل مداخله‌گر در پرورش شایستگی فراگیران، میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه و ابعاد شایستگی بود که به میزان توجه به ساحت‌های مختلف تربیتی در امر آموزش و برنامه‌ریزی اشاره داشت. همچنین میزان توجه به روش‌های فعال و خلاقیت محور در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی منجر به بهبود نهادینه‌سازی شایستگی‌ها در فراگیران می‌شود. محور سوم در این بخش به میزان توجه به تنوع در ارزشیابی اشاره داشت که در تبیین آن باید به جنبه‌های مؤثر تنوع‌بخشی به جریان ارزشیابی پرداخت. آنچه جریان ارزشیابی را برای پرورش شایستگی‌ها متمایز می‌کند و کمک می‌کند که بهتر به آن پرداخته شود، استفاده از روش‌ها و ابزارهای متنوع ارزشیابی است که باعث می‌شود ابعاد مختلف شایستگی ظهور و بروز یابند. یافته‌های پژوهشی این بخش بیشتر برگرفته از مصاحبه‌ها و بیانات مشارکت‌کنندگان در این زمینه بود. پارک (Park, 2018) در پژوهش خود هم‌راستا با یافته‌های پژوهش حاضر به این نتیجه رسید که تنوع در رویکردهای ارزشیابی منجر به بهبود شایستگی‌های فراگیران می‌شود. پرورش شایستگی‌ها در فراگیران از اهداف اصلی دوره‌های آموزشی است که در برنامه‌های درسی دنبال می‌شود در این زمینه سعی شد هر چند به مقدار کوچک گامی در جهت شناخت وضعیت موجود پرورش برداشته شود. در ادامه باتوجه به یافته‌ها چند پیشنهاد کاربردی ارائه می‌گردد:

- باتوجه به یافته‌های شرایط محوری و نقش مهم طراحی برنامه‌های درسی در پرورش شایستگی‌های فراگیران در این زمینه پیشنهاد می‌شود طراحان برنامه‌های درسی در طراحی برنامه‌ها به شایستگی‌های مورد نیاز فراگیران متناسب با زمینه‌های روان‌شناختی توجه کنند و تناسب و توزیع مناسب شایستگی‌ها را در برنامه‌های مختلف درسی مدنظر قرار دهند.

- باتوجه به یافته‌های شرایط محوری و نقش توجه مجریان به تفاوت‌های فردی فراگیران در پرورش شایستگی آنان در این زمینه پیشنهاد می‌شود از رویکردهای مبتنی بر سازنده گرا در زمینه آموزش فراگیران توجه شود.
- باتوجه به یافته‌های بُعد شرایط علی در زمینه نقش ارزشیابی برنامه‌های درسی در پرورش شایستگی فراگیران در این زمینه پیشنهاد می‌شود از رویکردهای ارزشیابی مبتنی بر خودارزیابی و ارزشیابی استاندارد استفاده شود.
- باتوجه به راهبردهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان در زمینه پرورش شایستگی فراگیران پیشنهاد می‌شود به شبکه‌سازی و ایجاد امکان گفت‌وگو حرفه‌ای بین معلمان و متخصصان فراهم آید تا زمینه به‌روزرسانی علمی فراگیران فراهم شود.
- باتوجه به یافته‌های بُعد زمینه‌ای پیشنهاد می‌شود تعامل بیشتر بین خانواده و مدرسه جهت کشف شایستگی‌های اختصاصی فراگیران و پرورش آنان فراهم آید. در این زمینه می‌توان از ظرفیت‌های برنامه درسی والدین استفاده کرد.
- باتوجه به یافته‌های بُعد مداخله‌گر در پرورش شایستگی‌های فراگیران پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های درسی به تمام ساحت‌های تربیت در برنامه‌های درسی مدارس توجه شود.

منابع

- Ahmadi, F. Z. (2023). A multi-case study of students' common competencies in the curriculum of New Zealand, Hong Kong, Northern Ireland and Finland. *Curriculum Studies*, 18(69), 195-224 [in Persian].
- Alipour, F., and Heydari, Z., and Sanjari, F. (2017). Investigating the level of attention paid to the six areas of education in the document of the fundamental transformation of education in the textbooks of Heavenly Gifts of the second year of elementary school. National Conference of Subject-Educational Knowledge (Content Education): Religious Education and Primary Quran, Qom [in Persian].
- Alipour, F., and Heydari, Z., and Sanjari, F. (2019). Investigating the amount of attention paid to the six areas of education in the document of the fundamental transformation of education in the textbooks of Heaven's Gifts of the second elementary school. *Journal of educational and social studies of Qur'an and Atrat*, 2(3), 7-23 [in Persian].
- Andre L, van Vianen AEM, Peetsma TTD, Oort FJ (2018) Motivational power of future time perspective: Meta-analyses in education, work, and health. *PLoS ONE*, 13(1), 1-45. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0190492>
- Bitarfan, F. S., Sajjoudi, M., Dehghani, M. (2020). Investigating the implementation obstacles of the document of fundamental transformation of education based on the Fullen model: the case study of the field of aesthetic

- and artistic education. *Research in Curriculum Planning*, 17(67), 90-110 [in Persian].
- Dağ, N., & Arslantaş, H. A. (2015). Reasons Preventing Teachers from Acting within the Framework of Ethical Principles. *International Journal of Instruction*, 8(2), 33- 44.
- Ebrahimi, Kh. (2021). The educational model of scene management in dealing with soft threats with an emphasis on the competences and capabilities of the learners. *Islamic Revolution Cultural Protection Journal*, 10(22), 103-125 [in Persian].
- Ferasatkah, M. (2019). *Qualitative research method in social sciences (with emphasis on basic theory) Grand theory (GTM)*. Tehran: Aghah Publications [in Persian].
- Jafari Kamangar, F., Zarei, M. (2021). A critical attitude towards the adherence of Persian books to the field of aesthetics and art, a document of the fundamental transformation of education. *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs*, 21(9), 145-155 [in Persian].
- Kooij, TA M., Kanfer R., Betts, M., & Rudolph, C. W. (2023). Future time perspective: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Applied Psychology*, 103(8), 867-893. <https://doi.org/10.1037/apl0000306>
- Lozano, R., Merrill, M. Y., Sammalisto, K., Ceulemans, K., & Lozano, F. J. (2017). Connecting competences and pedagogical approaches for sustainable development in higher education: A literature review and framework proposal. *Sustainability*, 9(10), 18-29.
- Mazaheri, H., Musapour, N. and Natghi, F. (2017). The role of the family in the competency-based curriculum of the elementary school from the perspective of the documents of the fundamental transformation of education. *Family and Research*, 34(2), 32-7 [in Persian].
- McInerney, D.M. (2004). A discussion of future time perspective. *Educational Psychology Review*, 16, 141-151.
- Mehr Mohammadi, M., and Mahmoudi, F. (2012). Inversion, a new approach to curriculum design aimed at professional education with an emphasis on educational sciences. *Biannual Studies of Higher Education Curriculum*, 3 (14) 141-177 [in Persian].
- Munadi, M. (2020). Preparation of Islamic Religious Education Teachers in Secular Countries: A Study in Austria. *Dinamika Ilmu*, 20(2), 219-239.
- Naderijo, S., Ghazizadeh Hashemi, Z. S. (2020). Strategies to strengthen cognitive-religious foundations in children. *Journal of Islamic Research on Women and Family*, 1(2), 173-190 [in Persian].
- Nasrollahi Nia, F., Alamolhoda, J. (2020). Revision and presentation of the proposed curriculum for the field of educational sciences in the master's course (case study: management and planning of higher education). *Biannual Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 11(21), 138-97 [in Persian].
- Nili, M., Mousavi, S., Naser, A., and Massoud, M.. (2014). Examining the level of knowledge of the faculty members of technical and engineering departments of Isfahan and Isfahan universities of technology of the basic components of curriculum innovation and their application. *Iranian Engineering Education Quarterly*, 16(64), 59-88 [in Persian].

- Omar, M. T. M. (2020). Religious Education in the Arab World: Saudi Arabia, Sudan and Egypt as Models. *English Language Teaching*, 13(12), 27-36.
- Park I-J, Kim M, Kwon S., Lee H-G. (2018). The Relationships of Self-Esteem, Future Time Perspective, Positive Affect, Social Support, and Career Decision: A Longitudinal Multilevel Study. *Front Psychol.* 9:1-15.
- Rabati, M. and Javadani, H. (2023). A framework for key future learning competencies. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 16(30), 12-30 [in Persian]
- Razzaghi, M., Lasani, M., and Motahrinejad, H. (2018). The role of school effectiveness in the development of students' citizenship competencies from the perspective of teachers. *Sociology of Social Institutions*, 5(11), 261-287 [in Persian].
- Salisbili, N. (2017). Exploring the stages and process of developing the national curriculum document of the Islamic Republic of Iran. *Education Quarterly*, 33(1), 93-114 [in Persian].
- Salvati, P., Maliki, H., and Sohrabi, F. (2020). Analysis of the content of the social studies book of the first year of high school based on the content indicators of the national curriculum. *Research in curriculum planning*, 17(37), 178-187 [in Persian].
- Secretariat of the Supreme Council of Education (2011). *Document on the fundamental transformation of education (Mashhad holy document)*. Tehran: Ministry of Education with the cooperation of the Supreme Council of Cultural Revolution [in Persian].
- Taghipour Havizi, P., Sheikhi Fini, A. A., Mehromhammadi, M., Samavi, S. A. W. (2023). Identifying the types of competencies to realize democratic social education in Iran's education system. *Curriculum Studies*, 18(71), 128-99 [in Persian].
- Theoretical foundations of the fundamental transformation in the formal public education and training system of the Islamic Republic of Iran (2011). Tehran: Ministry of Education with the cooperation of the Supreme Council of Cultural Revolution [in Persian].
- Yusufzadeh, Mohammad Reza and Shah Moradi, Morteza (2019). Presenting the political education curriculum model based on the social-political education field, the document of the fundamental transformation of education for the students of the first secondary school. *Applied problems of Islamic education and training*, 5 (1), 173-206 [in Persian].
- Zarei, A., Deghani, M. (2021). Examining the coordination and compliance of the planned curriculum, implemented with the acquired knowledge of family and population in the direction of approximation between these three programs. *Research In Curriculum Planning*, 18(71), 147-164 [in Persian].